

دیباچه

از چاپ نخستین نسخه کتاب جامعه‌شناسی محیط زیست¹ در انتشارات روتلج ده سال می‌گذرد. در این زمانی که گذشت، جامعه‌شناسی محیط زیست شکوفایی قابل توجهی داشته است. امروزه، رشته جامعه‌شناسی محیط زیست در دانشگاه‌های اروپا، امریکای شمالی و استرالیا تدریس می‌شود و در کشورهایمانند برزیل، ژاپن و کره جنوبی جایگاه خود را پیدا کرده است. این امر نشان می‌دهد که جامعه‌شناسی محیط زیست به لحاظ نظری شکل گرفته است.

هنگامی که در اوایل دهه 1990 نسخه اولیه این کتاب را می‌نوشتیم، محققان زیست‌محیطی با موضوع «واقع‌گرایانه» محکمی در باب اهمیت، وضعیت و علل آسیبها و تخریبهای بوم‌شناختی می‌اندیشیدند. از این رو، نقش تعریف‌شده جامعه‌شناس محیط زیست، تعریف و وضع سازوکارهایی مانند «کار مستمر تولید» و ترسیم مسیرهای مطلوب تغییر بود. در مقابل، تعداد زیادی از محققان، عمدتاً در جامعه‌شناسی علم، به این نتیجه رسیدند که مخاطرات و دانش زیست‌محیطی به هیچ وجه بدیهی نیستند، بلکه بیشتر حاصل ساختار تعریف اجتماعی‌اند. سراسر این کتاب ملهم از نکات اصلی اندیشه فرد باتل² درباره ساختار اجتماعی تغییر جهانی محیط زیست بود (باتل با وقوع تغییر جهانی محیط زیست و نگرانی درباره تداخل ساختارگرایی اجتماعی با گسترش اصلاح زیست‌محیطی، از این موضوع به یکباره فاصله گرفت).

در سالهای اخیر، ضرب‌آهنگ تناقضات میان اندیشه واقع‌گرا- ساختارگرا تعدیل یافته و جامعه‌شناسان محیط زیست توان خود را صرف ایجاد نوعی تلفیق کرده‌اند. من نیز برای به رسمیت شناختن این تلاش عنوان فرعی نسخه اول کتاب (چشم‌انداز ساختارگرایی اجتماعی) را در این نسخه کنار گذاشتم و در حالی که بر اصول جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (به خصوص در فصلهای پنجم تا نهم) تأکید داشتم، مطالب جدیدی نیز به آن اضافه کردم. در فصل اول، بخشی را به شرح و ارزیابی آرای نظریه‌پردازان کلاسیک جامعه‌شناسی (دورکیم، وبر و مارکس) درباره محیط زیست اختصاص دادم. در فصل دوم، به تفصیل به بیان دو نظریه راهبردی در جامعه‌شناسی محیط زیست پرداختم: نظریه «جامعه مخاطره‌آمیز» بک و نظریه «مدرنیزه کردن اکولوژیکی» که در فصل پایانی نسخه اول این کتاب به اختصار به آن پرداخته شد. همچنین در این فصل به منظور درک «تفکیک طبیعت- جامعه» به طور کلی از نظریه ساختارگرایی و به طور خاص از «نظریه کنشگر- شبکه» بهره گرفته شد. فصل سوم و چهارم را با رویکرد ساختارگرایی، که در نسخه اول کتاب نیز وجود داشت، آغاز کردم و با بیان دیدگاههای دانشمندان اجتماعی، همچون رابرت برول، اریک داریر، جان درایزک و مارتن هیجر، اهمیت این موضوع را برجسته‌تر ساختم. در فصل چهارم، رابطه بین گفتمان زیست‌محیطی و قدرت را مد نظر قرار دادم که به صورت دقیق‌تری در روابط معاصر کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه انعکاس دارد. در بخش دوم این فصل، مسئله خصوصی‌سازی منابع آبی، که از مهم‌ترین مناقشات زیست‌محیطی روز محسوب می‌شود، به بحث گذاشته شد. نهایتاً در بحث نتیجه‌گیری (فصل دهم) رویکرد جدیدی را تحت عنوان «رویکرد نوظهور جامعه‌شناسی محیط زیست» مطرح کردم. در واقع، در این فصل تهدیدهای

1. Environmental Sociology

2. Fred Buttel

زیست‌محیطی را با تکیه بر ادبیات نظری در محیط زیست، یادگیری اجتماعی، جامعه مخاطره‌آمیز، مدیریت ترکیبی و سازمانهای مرزی، جهانی‌شدن و جریان‌ات زیست‌محیطی و وقوع رفتار جمعی در هنگام پیشامدها و حوادث زیست‌محیطی و در قالب ویژگیهایی مانند عدم قطعیت، ابهام، بدیهه‌گویی، سازگاری و سیالیت مسائل زیست‌محیطی بررسی کردم.